

اثربخشی آموزش پیش از ازدواج با رویکرد آدلری بر آمادگی برای ازدواج در بین دختران در آستانه ازدواج

بهناز رهبریان یزدی^۱، فرزاد فرهودی^۲، محسن امیری^۳

۱. کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسئول).

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۳. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه زنجان، ایران.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره هشتم، شماره پنجاه و ششم، سال ۱۴۰۲، صفحات ۳۳۰-۳۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

چکیده

آمادگی برای ازدواج به‌عنوان ارزیابی ذهنی فرد از آمادگی شخصی برای پذیرش مسئولیت‌ها، متغیری کلیدی در تصمیم‌گیری فرد برای ازدواج به‌عنوان پیش‌بین مهم رضایت زناشویی پس‌از آن محسوب می‌گردد. هدف پژوهش، بررسی اثربخشی آموزش پیش از ازدواج با رویکرد آدلری بر آمادگی برای ازدواج در بین دختران در آستانه ازدواج بود. در این پژوهش از روش پژوهش، نیمه آزمایش و از طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شد. نمونه‌ی آماری پژوهش شامل ۳۰ از دختران مجرد خوابگاهی در آستانه ازدواج در سال ۱۳۹۶ بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به طور تصادفی در گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند (هر گروه ۱۵ نفر). ابتدا همه‌ی نمونه‌ها به پرسشنامه آمادگی برای ازدواج کارول و همکاران (۲۰۰۹) پاسخ دادند و سپس مداخله پیش از ازدواج با رویکرد آدلری برای گروه آزمایش در ۸ جلسه اجرا شد و در نهایت، پس‌آزمون از دختران مجرد خوابگاهی در آستانه ازدواج گروه آزمایش و کنترل گرفته شد و به منظور تجزیه و تحلیل نتایج، از روش تحلیل کواریانس استفاده شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که آموزش پیش از ازدواج با رویکرد آدلری بر آمادگی برای ازدواج در بین دختران در آستانه ازدواج گروه آزمایش مؤثر بوده است. بدین‌سان، پیشنهاد می‌گردد که نهادها، سازمان‌های اجرایی، مشاورین، کارگاه‌های آموزشی از رویکرد آدلری در زمینه‌ی ازدواج برای دختران و پسران در آستانه ازدواج و همچنین زوجین صورت گیرد.

کلیدواژه: آموزش پیش از ازدواج، رویکرد آدلری، آمادگی برای ازدواج، دختران.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره هشتم، شماره پنجاه و ششم، سال ۱۴۰۲

مقدمه

ازدواج به عنوان یکی از پراهمیت‌ترین تصمیم‌گیری‌های زندگی هر فردی در نحوه‌ی تشکیل ارتباطات انسانی به صورت ویژه‌ای تأثیرگذار است. این پل عاطفی، زن و مرد را با کششی ناشی از عشق و غریزه و باورهای فرهنگی به هم مرتبط می‌سازد. آن‌چنان‌که این ارتباط و پیوند، منجر به تشکیل یک کانون پویا به نام «خانواده» و یک‌نهاد اجتماعی مستحکم می‌گردد. علاقه به ازدواج در بزرگسالان جوان جدید نیست. در سال‌های اخیر آماده‌سازی جوانان در مورد ازدواج بسیار زیاد شده است. در قرن ۲۰ در ایالات متحده زمانی که افراد وارد دوره‌ی بزرگسالی می‌شدند و یک رابطه‌ی عاشقانه را تشکیل می‌دادند و به ازدواج به عنوان یک لنگر برای توسعه‌ی بزرگسالی خود نگاه می‌کردند (اریکسون^۱، ۱۹۸۰؛ به نقل از جوناتون، موسکو و پیتسول^۲، ۲۰۱۰). ازدواج و انتخاب همسر مهم‌ترین شاخص تحرک اجتماعی در هر جامعه است از آنجا که نگرش مردم نسبت به ازدواج و ایجاد یک خانواده و مشکلات و موانع آن نقش مهمی در انتظاراتشان از ازدواج دارند. لذا انتظارات ازدواج دختران در رابطه با ازدواج و شروع یک خانواده، اهمیت حیاتی دارد (یار محمدی، یارمحمدی، دینی و دارسنج، ۲۰۱۶). پس احساسات و نگرش‌ها در مورد ازدواج متغیر کلیدی در تصمیم برای ازدواج و پیش‌بینی معنادار رضایت زناشویی نهایی است (اسچرام، مارشال، هارلز و لی^۳، ۲۰۱۲).

احساس آمادگی برای ازدواج متغیر بسیار مهمی در تصمیم‌گیری برای ازدواج بوده و یک پیش‌بینی‌شده مهم برای تعیین داشتن رضایت از ازدواج و زندگی زناشویی است (آرکوس^۴، ۱۹۸۷؛ هولمن، لارسون و هارمر^۵، ۱۹۹۴؛ به نقل از شریفی‌زاده، ۱۳۹۱). لارسون (۱۹۸۸) آمادگی ازدواج را به‌عنوان ارزیابی ذهنی فرد از آمادگی شخصی برای پذیرش مسئولیت‌ها و چالش‌های زندگی مشترک در نظر گرفت؛ به‌عبارت‌دیگر، آمادگی ازدواج، توانایی فرد برای گسترش فرآیند انتخاب همسر است (هولمن و لی^۶، ۱۹۹۷). بلومر (۱۹۶۹) آمادگی را به‌عنوان حالت و تمایلی در نظر گرفت که در پس اعمال فرد قرار دارد و با آگاهی از وضعیت آمادگی فرد می‌توان نوع اعمال او را پیش‌بینی کرد. آمادگی ازدواج شامل تغییر جهت از مسئولیت مراقبت از خود به پذیرش مسئولیت مراقبت از همسر است (کارول، باجر، ویلقبی، نلسون، مدسن و همکاران، ۲۰۰۹)؛ بنابراین، آمادگی ازدواج یک شاخص کلیدی برای ازدواج و گذارندن زمان ازدواج است. آماده نبودن برای ازدواج مانند آماده بودن برای ناکامی و شکست است. ازدواج امری پرخطر است و یکی از مهم‌ترین تصمیمات زندگی است که بر تمام وجوه آینده فرد تأثیرگذار است و می‌تواند رضایت‌آورترین یا مایوس‌کننده‌ترین تجربه زندگی باشد. برای یک انتخاب خوب، فردی که می‌خواهد ازدواج کند باید خود را بشناسد و بداند که کیست. از آنجا که ابعاد و زوایای گوناگونی در تشکیل یک زندگی مشترک پایدار و موفق دخالت دارد، مناسب است.

1. Ericsson

2. Jonathan, Mosko & Pistole

3. Schramm, Marshall, Harrls & Lee

4. Arckows

5. Harmer

6. Holman & Lee

لازم به ذکر است، مشاوران ازدواج، والدین و سیاست‌گذاران نمی‌توانند از برنامه‌های مختلف آموزشی برای ایجاد ابتکارانشان در افزایش آمادگی برای ازدواج در جوانان، تغییر نگرش نسبت به ازدواج و همچنین تشخیص افراد کمال‌گرا استفاده کنند (قلیلی و همکاران، ۲۰۱۲). هدف مشاوره کمک به فرد جهت ایجاد تغییر در نگرش‌ها، باورها، رفتارها و عواطفش است. واقعیت این است که هدف از مشاوره ازدواج ایجاد آمادگی برای ازدواج و سالم‌سازی روانی فردی است که قصد ازدواج دارند. مشاوره قبل از ازدواج باید کاری را انجام دهد که موجب واقع‌بینی و تعدیل انتظارات آرمانی از ازدواج، همسر و زندگی زناشویی شود. بدین‌سان اجرای آموزشی "مشاوره پیش از ازدواج" نوعی مداخله‌ی درمان زوجی^۱ است که با زوج‌هایی که قصد ازدواج دارند انجام می‌گیرد و "آموزش پیش از ازدواج" نوعی روش آموزش مهارت‌هاست که باهدف ارائه‌ی اطلاعات به زوج‌ها برای خودآگاهی، بهبود ارتباط زناشویی‌شان و پیشگیری از مشکلات در آینده صورت می‌پذیرد (سندیاک، ۱۹۹۰؛ به نقل از خان آبادی، ۱۳۹۴).

بازبینی ای بر ادبیات در زمینه‌ی مشاوره‌ی پیش از ازدواج نشان می‌دهد که یکی از راه‌های تغییر یا کاهش باورهای غیرمنطقی درباره‌ی ازدواج برنامه‌های پیش از ازدواج است که اثر معنی‌داری بر افراد دارند (کنیوتسون و اولسون^۲، ۲۰۰۳؛ وان اپ^۳، ۲۰۰۶). امروزه آموزش پیش از ازدواج به عنوان یک جنبش مدنظر قرار گرفته است که هدفش تقویت ازدواج به عنوان یک نهاد بنیادی در جامعه است (بروترسون و دانکن^۴، ۲۰۰۴). مرکز ملی پژوهش‌های ازدواج سالم^۵ بیان می‌کند که آمادگی پیش از ازدواج می‌تواند راهبرد کارسازی در کاهش طلاق و حمایت از ازدواج سالم باشد. نبود آمادگی افراد برای ازدواج و باورهای اشتباه عواملی هستند که می‌بایستی در آموزش پیش از ازدواج شناسایی شوند چرا که آمادگی کافی پیش از ازدواج به طور مثبت نه تنها روی ازدواج چه بسا روی انسان و نسل‌های آینده نیز کارساز است (پولی^۶، ۲۰۱۱).

بنابراین مشاوره پیش از ازدواج به پیشگیری از طلاق کمک می‌کند و اغلب مشاوران ازدواج آدلری قادر به انجام مشاوره قبل از ازدواج هستند (ایوانز، درریک و دینکمیر^۷، ۱۹۹۳؛ به نقل از خان آبادی، ۱۳۹۴). مشاوره‌ی ازدواج آدلری^۸، قبل از ازدواج باهدف پیشگیری از مشکلات و بعد از آن برای درمان مشکلات ایجادشده انجام می‌گیرد. از آنجایی که به‌کارگیری و آزمودن روان‌شناسی فردی آلفرد آدلر به گونه‌ی گسترده و فزاینده در میان مشاورین، روان‌درمانگران، آموزشگران و پژوهشگران رواج یافته است. آدلر به کاربست درمانی^۹ امروزی کمک قابل‌توجهی رسانده است. دیدگاه آدلری بیشتر جنبه پیشگیرانه دارد (ادوارد و واتکینز^{۱۰}، ۱۹۸۴؛ کرد و نیکوزاده، ۱۳۹۰؛ روحی، ۱۳۹۳؛ کوری، ۲۰۱۶). در دیدگاه آدلر مشکلات روانی نتیجه احساس کهنتری بیشتر از حد^{۱۱} است

1. Therapeutic Couple Intervention

2. Knutson, & Olson

3. Van Epp

4. Brotherson, & Duncan

5. Healthy

6. Poley

7. Evanse, Dedrick & Dinkmeyer

8. Marriage Counselling

9. therapeutic

10. Edward & Watkins

11. excessive feelings of inferiority

که به واسطه شیوه‌ای از خود-دفاعی^۱ به یک زندگی واجد علاقه اجتماعی^۲ اندک کشیده می‌شود، درمان آدلری^۳ بر کمک به افراد افراد برای ایجاد یک شیوه از زندگی متمرکز است که با ابزارهای جبرانی سازنده‌تر برای کهنتری و علاقه اجتماعی بیشتر مشخص می‌گردد (کاردوسی^۴، ۲۰۱۶). درمان ازدواج آدلری به زوج‌ها کمک می‌کند تا روابط زناشویی‌شان را بهبود بخشند. بنابراین تحقیقات انجام‌شده و با توجه آنچه مطرح شد، آمادگی برای ازدواج و نگرش به ازدواج متغیر کلیدی برای رضایت زناشویی در افراد محسوب می‌گردد و از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد، از آنجاکه به دلیل تحقیق‌های معدودی که در مورد تأثیر برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج در ایران و بالا رفتن سن ازدواج در پسران و علی‌الخصوص دختران، انتظارات غیرمنطقی افراد از جمله بالا رفتن میزان طلاق و آماده نبودن افراد برای ازدواج است. لذا بنا بر این تفاسیر و بر اساس هدف اساسی تحقیق حاضر، پژوهشگر را بر آن داشت که به این سؤال اساسی پاسخ دهد که آیا آموزش پیش از ازدواج با رویکرد آدلری می‌تواند بر معیارهای آمادگی برای ازدواج در بین دختران در آستانه ازدواج تأثیر گذارد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش پژوهش نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری کلیه دختران مجرد خوابگاهی در آستانه ازدواج در دانشگاه آزاد یزد در سال ۱۳۹۶ بودند. طی یک فراخوان تعداد ۳۰ نفر انتخاب و به شکل تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) قرار گرفتند. دامنه سنی زنان ۲۲ تا ۳۰ سال، رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش و داشتن تحصیلات حداقل لیسانس از ملاک‌های ورود به پژوهش بود. غیبت بیش از دو جلسه در آموزشی، داشتن بیماری جسمی خاص، مصرف داروهای روانپزشکی و روان گردان و مصرف مواد مخدر و سیگار از ملاک‌های خروج از پژوهش بود. در ابتدا از آزمودنی‌های در شرایط یکسان پیش‌آزمون به عمل آمد و سپس به گروه آزمایش پروتکل پیش از ازدواج بر مبنای نظریه روان‌شناسی آدلر آموزش داده شد و به گروه کنترل هیچ گونه آموزشی از مداخله مذکور ارائه نشد. بعد از اتمام جلسات آموزشی از هر دو گروه آزمایش و کنترل در شرایط یکسان پس‌آزمون به عمل آمد. بعد از جمع‌آوری داده‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون اطلاعات گردآوری شده با آزمون‌های آماری مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و از تمامی افراد که در پژوهش شرکت کرده بودند قردانی به عمل آمد. در این پژوهش آزمودنی‌ها در هیچ یک از گروه‌های آزمایش و کنترل ریزش نداشتند و تعداد افراد هر گروه تا پایان پژوهش ثابت و بدون ریزش باقی ماندند. از جمله اصول رعایت شده اخلاقی بر اساس انجمن روانشناسی آمریکا عدم تضییع حقوق افراد شرکت‌کننده در پژوهش و رعایت حقوق انسانی آنها بود. توضیح به آزمودنی‌ها که مشارکت در تحقیق برای آنها هیچ گونه ضرر جسمی و روانشناختی ندارد. همچنین بعد از اتمام جلسات آموزشی و اجرای پس‌آزمون، جلسات به طور فشرده در جهت رعایت اصول اخلاقی بر روی گروه کنترل نیز اجرا گردید. بعد از گردآوری اطلاعات به دست آمده، داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ مورد تحلیل آماری قرار گرفتند.

1. a self-defeating style

2. social interest

3. Adlerian therapy

4. Carducci

جدول ۱. جلسات آموزش پیش از ازدواج با رویکرد آدلر

جلسه اول	معرفی اعضا و به وجود آوردن حس اعتماد بین اعضا، توضیح کامل پیرامون جلسات و عناوین آن و روند کار، بیان قواعد گروهی و تعهدات لازم، اجرای پیش آزمون و طرح دید کلی از مداخله، برگزاری جلسات به صورت یکبار در هفته و مدت زمان هر جلسه ۹۰ دقیقه... (توافق بر روی روز تشکیل جلسات)، بیان مقدمه و تعریف سبک زندگی و چهار نوع سبک زندگی از دیدگاه آدلر، و ارائه تکلیف.
جلسه دوم	مرور جلسه قبل، پیگیری فعالیت‌های خارج از کلاس، روابط انسانی دموکراتیکو بیان دیدگاه آدلر درباره روابط دموکراتیک آزادی، ارائه تکلیف و گرفتن بازخورد.
جلسه سوم	مرور جلسه قبل، پیگیری فعالیت‌های خارج از کلاس، بیان غایت نگری و هدفمندی رفتار، تفاوت بین ارزش و هدف در زندگی، گرفتن بازخورد و ارائه تکلیف.
جلسه چهارم	مرور جلسه قبل، پیگیری فعالیت‌ها، بیان خلاقیت و انتخاب و ویژگی‌های ازدواج سالم، علاقه‌ی اجتماعی از دیدگاه آدلر، ارائه تکلیف و گرفتن بازخورد.
جلسه پنجم	مرور جلسه قبل، پیگیری فعالیت‌های خارج از کلاس، علاقه اجتماعی و احساس حقارت و کمبودهای افراد در زندگی و راهنمایی آنان در جهت رشد و کمال، ارائه تکلیف و گرفتن بازخورد.
جلسه ششم	مرور جلسه قبل، پیگیری فعالیت‌های خارج از کلاس، مکانیزم‌های محافظ و راه‌های استفاده از آن در ازدواج و زندگی زناشویی، بهره‌گیری از تکنیک فشار دگمه، ارائه تکلیف و گرفتن بازخورد.
جلسه هفتم	مرور جلسه قبل، پیگیری فعالیت‌های خارج از کلاس، منطق خصوصی و اشتباهات اساسی، اصلاح اشتباهات اساسی، به کارگیری تکنیک اصلاح اشتباهات اساسی، ارائه تکلیف و گرفتن بازخورد.
جلسه هشتم	مرور جلسه قبل، پیگیری فعالیت‌های خارج از کلاس، تکالیف زندگی از دیدگاه آدلر و مرور اجملی بر مباحث گذشته، آگاه ساختن اعضا نسبت به پذیرش تعهدات زناشویی و سپس اجرای پس‌آزمون، گرفتن بازخورد، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری با کمک اعضا، نهایتاً تقدیر و تشکر.

ابزار پژوهش

پرسشنامه معیارهای آمادگی ازدواج (CMRQ): پرسشنامه‌ی معیارهای آمادگی ازدواج^۱ (CMRQ)، طراحی شده توسط (کارول و همکاران، ۲۰۰۹)، فرم تغییر یافته و گسترش یافته از پرسشنامه‌ی معیارهای بزرگسالی^۲ (CAQ)، که آرنت^۳ (۱۹۹۷) ابداع کرده، می‌باشد. این پرسشنامه دارای ۴۹ سوال است. ساختار CMRQ شبیه ساختار CAQ است که معیارهای آن از سنجش بزرگسالی به سنجش میزان آمادگی فرد برای ازدواج تغییر شکل یافته‌اند. به‌عنوان مثال یکی از تفاوت‌های این دو این است که معیار "متاهل بودن"^۴ و "داشتن حداقل یک فرزند"^۵ از مقیاس انتقالات نقش^۶ حذف شد تا با زمینه‌ی مورد سنجش، یعنی آمادگی ازدواج، متناسب گردد. همچنین به CMRQ، براساس ادبیات مربوط به صلاحیت روابط^۷ (کارول و همکاران، ۲۰۰۶)، چند معیار جدید افزوده شد تا اینکه عامل بلوغ رابطه‌ای^۸، که توسط باجر و همکاران (۲۰۰۶) تعیین شده، را گسترش داده و به اجزای کوچکتری تقسیم‌بندی کند. بطور مشخص، ۵ معیار جدید به سه معیار قبلی CAQ افزوده شد و خرده مقیاس صلاحیت بین‌فردی^۹ شکل گرفت. همچنین ۳ معیار جدید به معیارهای قبلی CAQ افزوده شد تا خرده‌مقیاس صلاحیت درون‌فردی^{۱۰} شکل بگیرد. خرده-مقیاس انتقال‌های بیولوژیکی^{۱۱} مربوط به CAQ نیز در CMRQ گنجانده نشد و فرض بر این شد که معیارهای مربوط به خرده

1. Criteria for Marriage Readiness Questionnaire

2. Criteria for adulthood Questionnaire

3. Arnett

4. married

5. have at least one child

6. role transitions

7. relationship competence

8. relational maturity

9. interpersonal competence

10. intrapersonal competence

11. biological transitions

مقیاس مذکور در معیارهای احتمالی آمادگی ازدواج محسوب نمی‌شود. اما بعنوان مثال معیار "داشتن تجربه‌ی رابطه‌ی جنسی"^۱ مربوط به مقیاس مذکور در CMRQ حذف شد. بعلاوه در CMRQ یکسری معیارهای دیگر نیز گنجانده شده همچون معیارهای مربوط به سن (همچون "رسیدن به سن ۱۸ سالگی"، "رسیدن به سن ۲۱ سالگی"، "رسیدن به سن ۲۵ سالگی" و "رسیدن به سن ۳۰ سالگی") و معیارهای دیگری (همچون "گذراندن دوره‌های آموزشی آمادگی ازدواج" و "توانایی پرداخت هزینه‌ی مراسم ازدواج خود") که در نمره‌گذاری لحاظ نشده و زیرمجموعه خرده مقیاس خاصی قرار نگرفته‌اند. لذا نمره‌گذاری این پرسشنامه در یک طیف لیکرت به صورت (اصلاً مهم نیست=۱، خیلی مهم نیست=۲، نسبتاً مهم است=۳، خیلی مهم است) می‌باشد. که بیشترین نمره ۱۸۴ و کم‌ترین نمره ۴۶ می‌باشد و نمره بیشتر نشان‌دهنده موافقت آزمودنی با گویه مورد نظر می‌باشد. ولی روش پاسخ‌دهی مشارکت‌کنندگان به هر دو پرسشنامه، یکسان می‌باشد. کارول و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه‌ی خود برای اولین بار از CMRQ استفاده کردند و ویژگی‌های روان‌سنجی این سنجه را اعتباریابی کردند. بنابراین یک تحلیل عاملی محوری اصلی^۲ انجام شد که از روش چرخشی واریماکس^۳ استفاده شد برای اینکه مشخص شود که آیا سازه‌های پنهان پیشنهادی^۴ را بواسطه‌ی متغیرهای محاسبه شده می‌توان شناسایی کرد یا خیر (فابریگر، وگنر، مک‌کالام و استراهان^۵، ۱۹۹۹). CMRQ برای سنجش ۶ عامل از معیارهای آمادگی ازدواج، طراحی شده است. یعنی در حقیقت این پرسشنامه دارای ۶ خرده مقیاس می‌باشد. که عبارتند از: تبعیت از هنجارها^۶ (NC) ۶ ماده، ظرفیت‌های خانوادگی^۷ (FC) ۷ ماده، انتقالات نقش (RT) ۷ ماده، صلاحیت بین-فردی (IC) ۸ ماده، صلاحیت درون‌فردی (IAC) ۶ ماده و تجربه‌ی جنسی^۸ (SC) ۲ ماده، عوامل درجه‌بندی نشده (NS) ۳ ماده را شامل می‌شوند. که منظور از آمادگی ازدواج دارا بودن معیارهایی همچون صلاحیت بین فردی، صلاحیت درون فردی، تبعیت از هنجارها، انتقالات نقش، ظرفیت‌های خانوادگی و تجربه‌ی جنسی می‌باشد (کارول و همکاران، ۲۰۰۹). کارول و همکاران (۲۰۰۹)؛ به نقل از شریفی، (۱۳۹۱)، پایایی این مقیاس را به روش آلفای کرونباخ در مردان ۰/۸۶ و در زنان ۰/۷۸ گزارش کردند. آنان همچنین با همبسته کردن این مقیاس با مقیاس‌های مشابه ۰/۸۵ را گزارش کردند، که نشان از روایی بالای این مقیاس است. در پژوهش شریفی (۱۳۹۱) پایایی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که ضریب پایایی برای پسران ۰/۸۰ و برای دختران ۰/۷۹ به دست آمده است. آلفای کرونباخ پرسشنامه معیارهای آمادگی ازدواج در پژوهش حاضر ۰/۹۴ به دست آمد.

^۱. have had sexual intercourse

^۲. principal axis factor analysis

^۳. varimax rotation procedure

^۴. proposed latent constructs

^۵. Fabrigar, Wegener, MacCullum & Strahan

^۶. normal compliance

^۷. family capacities

^۸. sexual experiences

یافته‌ها

قبل از تحلیل داده‌های مربوط به فرضیه‌ها، برای اطمینان از این که داده‌های این پژوهش مفروضه‌های زیربنایی تحلیل کوواریانس را برآورد می‌کنند، به بررسی آنها پرداخته شد. بدین منظور نرمال بودن داده‌ها با آزمون شاپیرو ویلکز نشان داد که سطح معنی‌داری در آزمون فوق‌الذکر از $0/05$ بزرگ‌تر است لذا توزیع نمرات در متغیرهای تحقیق طبیعی بود ($P > 0/05$). نتایج همگنی واریانس‌ها نشان داد که سطح معناداری به دست آمده از آزمون لون بزرگ‌تر از $0/05$ می‌باشد. لازم به توضیح است که در این پژوهش پس‌آزمون متغیرها به عنوان متغیرهای وابسته و پیش‌آزمون آنها به عنوان متغیرهای کمکی (کواریت‌ها) تلقی شدند. بنابراین بین متغیرهای کمکی و متغیرهای وابسته در همه سطوح عامل (یعنی گروه‌های آزمایش و کنترل) برابری و همگنی حاکم بود. بر اساس مفروضه همگنی شیب خط رگرسیون سطح معنی‌داری اثر تعامل گروه و پیش‌آزمون بزرگتر از $0/05$ می‌بود. از آنجایی که تعامل غیرمعنی‌داری بین متغیرهای وابسته و کمکی مشاهده شد، بنابراین فرض همگنی شیب خط رگرسیون برای متغیرهای پژوهش پذیرفته شد.

جدول ۲. آزمون شاپیرو- ویلک برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات در پیش‌آزمون و پس‌آزمون آمادگی برای ازدواج

متغیر	آماره	درجه آزادی	سطح معناداری
پیش‌آزمون	۰/۹۷	۳۰	۰/۱۲
پس‌آزمون	۱/۰۲	۳۰	۰/۱۵

جدول ۳. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش به تفکیک گروه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

متغیرهای پژوهش	مرحله	آزمایش		کنترل	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
آمادگی برای ازدواج	پیش‌آزمون	۱۱۵/۸۶	۱۸/۳۳	۱۱۳/۲۶	۱۲/۹۲
	پس‌آزمون	۱۲۰/۶۶	۱۷/۶۱	۱۱۳/۶۶	۱۲/۹۹

جدول ۳ میانگین، انحراف معیار و آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش در گروه‌های آزمایش و کنترل را نشان می‌دهد که در این جدول آماره‌های نرمال بودن بررسی شده است که متغیرهای پژوهش دارای توزیع نرمال می‌باشند. در ادامه از تحلیل کوواریانس چند متغیری برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش استفاده شده است تا اثر پیش‌آزمون نیز کنترل شود که نتایج در ادامه آمده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل کوواریانس نمرات پس‌آزمون آمادگی برای ازدواج دو گروه با کنترل پیش‌آزمون

منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذور اتا	توان آزمون
پیش‌آزمون	۶۵۹۲/۶۷	۱	۶۵۹۲/۶۷	۱۵۰۸/۵۷	۰/۰۰۱	۰/۹۸	۱
گروه	۱۴۹/۱۹	۱	۱۴۹/۱۹	۳۴/۱۳	۰/۰۰۱	۰/۵۶	۱
خطا	۱۱۷/۹۹	۲۷	۴/۳۷				
مجموع	۴۱۸۹۱۹	۳۰					

همان‌گونه که جدول ۴ نشان می‌دهد بعد از تعدیل نمره‌های پیش‌آزمون، تفاوت معناداری بین دو گروه آزمایش و کنترل در میانگین نمرات آمادگی برای ازدواج به دست آمد. لذا، فرضیه پژوهش نیز تأیید می‌گردد. میزان تأثیر یا تفاوت برابر با $0/56$ است. به عبارت دیگر، 56 درصد تفاوت‌های فردی در نمرات آمادگی برای ازدواج گروه آزمایش مربوط به تأثیر آموزش پیش از ازدواج با

رویکرد آدلری است. توان آماری آزمون ۱/۰ و سطح معناداری مطلوب ($p < ۰/۰۰۱$)، دقت بالای آزمون و کفایت حجم نمونه را نشان می‌دهد.

جدول ۵. میانگین تعدیل شده و نشده آمادگی برای ازدواج در گروه‌های آزمایش و کنترل

فاصله اطمینان		میانگین آمادگی برای ازدواج		گروه‌ها
سطح بالاتر	سطح پایین‌تر			
۱۲۰/۵۱	۱۱۸/۲۹	۱۱۹/۴	تعدیل شده	آزمایش
		۱۲۰/۶۶	تعدیل نشده	
۱۱۶/۰۳	۱۱۴/۸۱	۱۱۴/۹۲	تعدیل شده	کنترل
		۱۱۳/۶۶	تعدیل نشده	

در جدول ۵ با توجه به این که میانگین تعدیل شده نمرات آمادگی برای ازدواج گروه آزمایش (۱۱۹/۴) نسبت به میانگین گروه کنترل (۱۱۴/۹۲) افزایش یافته است، می‌توان ادعا کرد که آموزش پیش از ازدواج با رویکرد آدلری موجب افزایش آمادگی برای ازدواج در دختران گروه آزمایش شده است. با توجه به اینکه نتایج آزمون نشان داد که نمرات گروه آزمایش در پس‌آزمون آمادگی برای ازدواج به‌طور معناداری نسبت به گروه گواه افزایش یافته است، می‌توان ادعا نمود که در چارچوب محدودیت‌های طرح آزمایشی، نتایج نشان می‌دهد که آموزش پیش از ازدواج با رویکرد آدلری باعث افزایش آمادگی برای ازدواج شده و این فرضیه تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش، بررسی اثربخشی آموزش پیش از ازدواج با رویکرد آدلری بر آمادگی برای ازدواج در بین دختران در آستانه ازدواج بود. یافته‌های این پژوهش نشان داد آموزش پیش از ازدواج با رویکرد آدلری باعث افزایش آمادگی برای ازدواج شده و این فرضیه تأیید می‌شود. نتیجه به دست آمده با یافته‌های پژوهشی پولی^۱ (۲۰۱۱)، مسکو و کارل پیستول (۲۰۱۰)، کارول و همکاران (۲۰۰۹)، استینت (۱۹۶۹)، نلسون (۲۰۰۸)، بادگر (۲۰۰۶)، لارسون، بنسون و ویلسون (۱۹۹۸)، هولمن و لی (۱۹۹۷)، ساسلر و شوئن (۱۹۹۹)، لارسون (۱۹۸۸)، بگریزی و همکاران (۱۹۸۴)، رضایی نیا، خجسته مهر، عباسپور (۱۳۹۴)، خجسته مهر، دانیالی، شیرالی نیا (۱۳۹۴)، قلیلی، اعتمادی، احمدی، فتحی‌زاده و عبدی (۲۰۱۲)، امیدوار، فاتحی، احمدی (۲۰۱۲)، خلعتبری، شیروی، مهدیون (۱۳۸۸) همسو است. در تبیین نتیجه به دست آمده می‌توان گفت با توجه به این که ازدواج یکی از مهم‌ترین تصمیمات زندگی انسان است که بر تمام وجوه آینده فرد تأثیرگذار است؛ بنابراین لازمه موفقیت و رضایتمندی در ازدواج این است که به‌جای آنکه اکثر مردم آن‌قدر که وقت و انرژی برای مراسم ازدواج صرف کنند آن میزان وقت و انرژی خود را به انتخاب همسر و آمادگی برای ازدواج صرف کنند. در نتیجه حالت، احساس آمادگی ازدواج یکی از شاخص‌های مهم اعمال فرد و زمان‌بندی در رسیدن به مرحله‌ی ازدواج است و دیدگاه‌های رایج آمادگی ازدواج افراد بالغ در سن ازدواج به ترتیب، روند گسترش توانایی‌های فردی، ایجاد تعهدات مادام‌العمر نسبت به یکدیگر و ایجاد و گسترش توانایی‌هایی به‌منظور توجه به یکدیگر است. از نظر بسیاری از جوانان، آمادگی برای ازدواج شامل فراگیری ویژگی‌های اجتماعی و رفتاری افراد بالغ و آمادگی‌های مالی از قبیل تکمیل

^۱. Poley

تحصیلات، دارا بودن شغل تمام وقت و استقلال کامل از والدین بود. از آنجاکه آدلر به جای توجه صرف به نگرش آرمانی یا خیال‌انگیز (رمانتیک) در انتخاب همسر، بر سلامت و آمادگی برای ازدواج تأکید کرده و معتقد بود جذابیت ظاهری و توانایی عقلانی مطلوب برای ازدواج موفق لازم‌اند اما کافی نیستند. در عوض او سه موضوع اساسی از قبیل: ۱. ظرفیت فرد به حفظ دوستی ۲. میزان علاقه و رضایت فرد به شغلش ۳. علاقه فرد به خود و همسرش به یک‌میزان را عنوان می‌کند. لذا این موضوعات با تکالیف زندگی آدلر مرتبط است. آدلری‌ها معتقدند سبک زندگی اشخاص را نیز می‌توان در تکالیف اصلی زندگی (رشد خود، رشد معنوی، والدگری، کار، دوستی و عشق) که مثل زنجیر به یکدیگر متصل بوده و ارتباطی درونی دارند، تشخیص داد.

فرایند انتخاب همسر از جمله شکل‌گیری احساس آمادگی برای ازدواج با یک عامل تعیین نمی‌شود بلکه عوامل مربوط به آمادگی ازدواج متعدد هستند و در چندین سطح، شامل سطوح فردی، زوجی، خانوادگی و اجتماعی جمعیت شناختی رخ می‌دهند (هالمن و لی، ۱۹۹۷). منظور از آمادگی برای ازدواج نیز، آمادگی خانوادگی، آمادگی اجتماعی و ویژگی‌های جمعیت شناختی (سن، تحصیلات و شغل) است. بسیاری از پژوهش‌های پیشین حوزه خانواده متمرکز بر تعیین آن دسته از اسنادها، ویژگی‌ها و تجاربی است که با توانایی فرد برای حفظ یک ازدواج موفق و باثبات مرتبط است (کارول، بدگر و یانگ، ۲۰۰۶). لذا از آنجایی که در جلسات درمانی آدلری افراد با آگاهی از گذشته شان و تعارض خود نسبت به رفتار خود در رابطه فعلی به نوعی بینش و بصیرت دست می‌یابند و متوجه می‌شوند شامل کدام یک از ویژگی‌های تیپ‌های شخصیتی هستند، هر یک از آن‌ها در زندگی زناشویی به دنبال چه نیازهایی هستند که در خانواده اصلی تحقق نیافته است و انتظار دارند همسر آن‌ها نیازها را جبران کند. در غیر این صورت، با استفاده از مکانیسم‌هایی چون تحقیر و سرزنش، خشم، قهر، کناره‌گیری و اسنادهای منفی در صدد رسیدن به خواسته‌های خود هستند. با توجه به نظریه آدلر روابط و علاقه اجتماعی که مجموعه‌ای از احساسات و رفتارهاست همانند هر استعداد طبیعی دیگر، این آمادگی و استعداد ذاتی خودبه‌خود ظاهر نمی‌شود، بلکه فرد از طریق تعلیم و تربیت و راهنمایی باید به شکوفا شدن آن همت گمارد. علاقه اجتماعی در نوع احساسات ما نسبت به دیگران و روابط با آن‌ها تأثیر بسزایی دارد و نیز جذابیت و بشاشیت ما تا حد زیادی از همین علاقه اجتماعی متأثر است (شفیع آبادی، ۱۳۹۰).

در مجموع می‌توان گفت با توجه به این که آمادگی برای ازدواج متغیری اساسی در فرایند ارزیابی و مداخلات پیش از ازدواج به حساب می‌آید و به همراه مؤلفه‌های سلامت فرد و تناسب زوجی مؤلفه‌های تصمیم‌گیری برای زندگی مشترک به حساب می‌آید (قادرپور و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین با آموزش تأثیرات آمادگی برای ازدواج به دختران در آستانه ازدواج می‌توان گفت که هرچه فرد بتواند منطقی به این مسائل فکر کند، عوامل خطرآفرین و هشدار دهنده در ازدواج همچون تصمیم گرفتن بر مبنای احساسات، تأکید بر یک بعد برای ازدواج و باورهای غلط در مورد ازدواج را تغییر دهد و از تأثیر منفی آن‌ها در زندگی و ازدواج آگاه باشد، از رشد شخصی بالاتر برخوردار خواهد بود و ازدواج موفق‌تری خواهد داشت. همچنین از یک سو، از آنجا که این آموزش‌ها شامل مهارت‌های شناختی مثل کار روی افکار و باورها و انتظارات غلط و عوامل هشداردهنده و همین‌طور عوامل رفتاری مثل آموزش مهارت‌های رفتاری و تبادلی می‌شد و از سوی دیگر رشد شخصی نیز بر بعد شناختی و رفتاری تأکید زیادی دارد، بنابراین می‌توان بدین نتیجه رسید که آموزش این مهارت‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم ابعاد شناختی و رفتاری را مورد

هدف قرار می‌دهد و در نتیجه بر رشد شخصی افراد تأثیر دارد و همان طوری که رویبیتشک و آشتون (۲۰۰۹) گفته‌اند، وقتی که فرد به صورت فعالانه در جستجوی تغییر و رشد باشد، تغییراتی در شناخت‌ها و نگرش‌ها و افکار وی ایجاد خواهد شد. به بیان دیگر، این مهارت‌ها باعث می‌شود که فرد به صورت خود خواسته و فعال در مسیر کسب تجربیات جدید قرار گیرد و دست به تغییر بزند و در نهایت رفتارهای خود را در تمام حیطه‌های زندگی مورد نظارت و ارزیابی قرار دهد (رویبتشک، ۱۹۸۹).

لذا دخترانی که در برنامه‌ی ازدواج شرکت کردند، آمادگی برای ازدواج به دختران در آستانه ازدواج کمک کرد تا یاد بگیرند درباره‌ی ازدواج واقع‌بین باشند و از طریق آموزش برنامه آمادگی ازدواج، خیلی از جریان‌ها از جمله ارتباط با همسر توانست مورد بحث قرار گیرند تا مشکلات باعث سمی شدن یک ازدواج نشوند، لذا تعلیم دیدن مهارت‌هایی چون ارتباط از طریق برنامه آمادگی ازدواج برای آفریدن و ساختن ارتباط راضی‌کننده و خشنود کننده مهم هستند. در این پژوهش با آموزش مهارت‌های آمادگی سعی شده که افراد وارد زندگی مشترک گردند و از اینکه در زمینه چه مهارت‌هایی برای یک زندگی زناشویی موفق نیاز است آمادگی کسب کنند، آگاه شوند. همچنین آگاه شوند که در چه حیطه‌هایی از مهارت نقصان و کمبود دارند و به تمرین در آن حیطه بپردازند. این دختران وقتی از وظایف خود، مشکلات احتمالی در زندگی زناشویی و مهارت مورد نیاز آگاه شوند تا حدی از انتظارات رمانتیک و ایده آل گرایانه در ازدواج فاصله می‌گیرند و بر تلاش برای حفظ رابطه سالم‌تر متمرکز می‌گردند. پس بر اساس نتایج به دست آمده، بدیهی است که این نوع مداخله تأثیرگذار است و آموزش پیش از ازدواج با رویکرد آدلری بر آمادگی ازدواج دختران در آستانه ازدواج تأثیر دارد. بنابراین، کارهای تأثیرگذار آدلر با تأکید بر ذهنیت‌ها و نقش خانواده در بافت‌های آموزشی، درمانی و سستی رشد کرد. بدین‌سان، مشاوره ازدواج آدلری با رویکردی آینده‌نگر و با تکیه بر توانایی‌ها و نقاط قوت هر یک از طرفین، به افراد برای کسب آمادگی برای ازدواج کمک می‌کند (فریدمن، ۱۹۹۳؛ به نقل از خان آبادی، ۱۳۹۴). واقعیت این است که هدف از مشاوره ازدواج ایجاد آمادگی برای ازدواج و سالم‌سازی روانی فردی است که قصد ازدواج دارند. مشاوره قبل از ازدواج باید کاری را انجام دهد که موجب واقع‌بینی و تعدیل انتظارات آرمانی از ازدواج، همسر و زندگی زناشویی شود. بدین‌سان اجرای آموزشی "مشاوره پیش از ازدواج" نوعی مداخله‌ی درمان زوجی^۱ است که با زوج‌هایی که قصد ازدواج دارند انجام می‌گیرد و "آموزش پیش از ازدواج" نوعی روش آموزش مهارت‌هاست که با هدف ارائه‌ی اطلاعات به زوج‌ها برای خودآگاهی، بهبود ارتباط زناشویی‌شان و پیشگیری از مشکلات در آینده صورت می‌پذیرد (سندیاک، ۱۹۹۰؛ به نقل از خان آبادی، ۱۳۹۴). لذا از آنجایی که آمادگی برای ازدواج یکی از متغیرهای اساسی در تصمیم‌گیری و اقدام برای ازدواج است. در پایان لازم به ذکر است که این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود. از آنجا که پژوهش حاضر در میان دختران مجرد در آستانه ازدواج صورت گرفته در خصوص تعمیم نتایج بایستی با احتیاط عمل شود و از تعمیم نتایج به سایر دختران در سایر شهرها خودداری شود. این پژوهش می‌توانست هم به صورت کمی و کیفی (ترکیبی) انجام شود، اما به دلیل نبود شرایط مصاحبه این امکان در پژوهش حاضر مهیا نبود و یکی از موانع و محدودیت‌های پژوهش این مورد بود. در پژوهش‌های آینده از طرح‌های آمیخته (کیفی و کمی)، حجم نمونه بالاتر و روش‌های پیچیده‌تر آماری که امکان تحلیل عمیق‌تر و نتیجه‌گیری بهتر را فراهم

^۱. Therapeutic Couple Intervention

می‌کنند، استفاده شود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، با در نظر گرفتن مرحله پیگیری، آموزش پیش از ازدواج مبتنی بر روانشناسی فردی آدلر در طول زمان بررسی شود تا ماندگاری نتایج مشخص شود. پیشنهاد می‌شود از آموزش پیش از ازدواج با رویکرد آدلری برای همه افراد اعم از دختر و پسران مجرد، زوجین و والدین، ضروری است. لذا پیشنهاد می‌شود برنامه در سطح کشوری و در تمامی شهرها برای تمامی اقشار و به‌خصوص این قشر خاص در نظر گرفته شود. همچنین پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های آموزشی، آموزش به جوانان از طریق رسانه‌های جمعی در دسترس بودن مراکز مشاوره خانواده که اطلاعات جوانان و زوجین را در مورد یک ازدواج موفق بالا ببرد و به‌ویژه پیشگیری از ناسازگاری‌های بعد از ازدواج شود، برای زوجین و جوانان در نظر گرفته شود.

منابع

- خجسته مهر، رضا؛ دانیالی، زینب؛ شیرالی نیا، خدیجه (۱۳۹۴). تجارب دانشجویان متأهل از آمادگی ازدواج: یک پژوهش کیفی. روانشناسی خانواده، ۲(۲)، ۳۹-۵۰.
- خان آبادی، مهدی. (۱۳۹۴). ازدواج و خانواده مشاوره و درمان آدلری، تهران: انتشارات آوای نور.
- خلعتبری، جواد؛ قربان شیرودی، شهره؛ مهدیون، زهرا السادات (۱۳۸۸). تأثیر آموزش برنامه‌ی آمادگی ازدواج بر باورهای ارتباطی زوجین. فصلنامه روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، ۱(۱)، ۳۲-۴۵.
- رضایی نیا، زهرا؛ خجسته مهر، رضا؛ عباسپور، ذبیح الله (۱۳۹۴). دل‌بستگی به خدا، دل‌بستگی به والدین و معیارهای آمادگی به ازدواج به عنوان پیش‌بین‌های نگرش به ازدواج دانشجویان متأهل زن و مرد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- شریفی زاده، زینب (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک‌های دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی و نگرش مذهبی با ادراک آمادگی ازدواج و نگرش به ازدواج در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه قم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- شفیع آبادی، عبدالله و ناصری، غلامرضا (۱۳۹۰). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی. چاپ بیستم.
- کرد میرزا نیکوزاده، عزت‌الله (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی برنامه مداخله مبتنی بر روان‌شناسی مثبت‌نگر و گروه درمانی آدلری در ارتقای تاب‌آوری افراد وابسته به مواد. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۲(۵۴)، ۲۷-۱.
- قادرپور، رزگار؛ احمدی، احمد؛ بهرامی، فاطمه؛ فاتحی زاده، مریم و اعتمادی، عذرا. (۱۳۹۰). *جزوه آموزشی مشاوره‌ی پیش از ازدواج*. دانشگاه اصفهان.

- Arnett, J.J. (1997). Young people's conceptions of the transition to adulthood. *Youth & Society*, 29, 3-23.
- Badger, S. (2006). Ready or not? Perception of marriage readiness among emerging adults. Dissertation for the degree of doctor of philosophy. *Brigham Young University*.
- Bagarozzi, D. A., Judith, I., Bagarozzi, S. A., Anderson, L. P. (1981). Premarital Education and Training Sequence (PETS): A 3- Year Follow-up of an Experimental Study. *Journal of Counseling and Development*, 63, 91.
- Blumer, H. (1969). *Symbolic interactionism: Perspective and method*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.

- Carroll, J. S., Badger, S., Willoughby, B. J., Nelson, L. J., Madson, S. D., Barry, C. M. (2009). Ready or not criteria for marriage readiness among emerging adults. *Journal of adolescent research*, 24(3), 349-375.
- Corey, G. (2016). *Theory & Practice of Group Counseling, 9th ed*, Boston: Cengage Learning
- Corroll, J. S., &Dohetry, W. J. (2006). Evaluating the Effectiveness of Premarital Prevention Program: Ameta-Analytic.
- Dillon, H. N., Chair, P. C., Dixon, W. & Ellis, J. (2005). Family violenceand Divorce Family & Marriage. 19(6), 750-768.
- Carroll, J.S., Badger, S., Yang, C.(2006). The ability to negotiate or ability to love: Evaluating the developmental domains of marital competence. *Journal of family Issues*, 27, 1001
- Edward Westermarck in the “History of human marriage. (1984). Sociology, S chand and company LTD, Ramnagar, New Delhi, pp-327-348.
- Evans, T. D., Dedrick. R.F., Dinkmeyer, D. (1993).A Survey of Adlerian Marital Therapy. The Journal of Individual Psychology, 49(3), 1-15.
- Evans, T.D., Dedrick. R.F., Dinkmeyer, D. (1993). A Survey of Adlerian Marital Therapy. The Journal of Individual Psychology, 49(3), 1-10.
- Friedman, S. (1993). Possibility therapy with Couples: Constructing time-effective solution. *Journal of Family Psychotherapy*, 4, 35-52.
- Ghalili, Z., Etemadi, O., Ahmadi, S. A., Fatehizadeh, M., &Abedi, M. R. (2012). Marriage readiness criteria among young adults of Isfahan: A qualitative study. *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, 4, 1076- 1083.
- Holman, T. B., & Li, B. D. (1997). Premarital factors influencing perceived readiness formarriage. *journal of Family Issues*, 18, 124-144.
- Jonathan, E., Mosko, M., Carole, P. (2010). Attachment and Religiousness: Contributions to Young Adult Marital Attitudes and Readiness. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*.
- Larson, J. H., Benson, J. M., Wilson, S. M. (1998). Family of origin Influences on marital attitudes and readiness for marriage in late Adolescents. *Journal of family Issuse*. 750- 768.
- Larson, J. H. (1988). Factors influencing college students’ perceived readiness for marriage. *Family Perspective*, 22, 145-157.
- Mosko, J. E., Carole Pistole, M. (2010). Attachment and religiousness: contributions to young adult marital attitudes and readiness. *The Family Journal: counseling and therapy for couples and families*, 18 (2), 127-135
- Nelson, H. A. (2008). A grounded theory model of how couples prepare for marriage. Doctoral dissertation, University of Illinois at Urbana- Champaign.
- Omidvar, B., FatehiZadeh, M., &Ahmadi, S. A. (2012). The Effect of Premarital Training on Marital Expectations and Attitudes of University Students in Shiraz. *Family Research*, 5(2), 231-246.
- Poley, J. M. (2011).A Pre-marriage Proposal: Getting Ready for Marriage, an Adlerian Design. The Degree of Master of Arts in Adlerian Counseling and Psychotherapy.Adler Graduate School.
- Robitschek, C. (1998). Personal Growth Initiative: The Construct and its Measure. *Measurement and Evaluation in Counselling and Development*, 30, 183-198.
- Robitschek, C. (2009). Development of the Personal Growth Initiative Scale-II. Poster presented at the First World Congress on Positive Psychology, Philadelphia, Pennsylvania, U.S.A.

- Sassler, S., & Schoen, R. (1999). The effect of attitudes and economic activity on marriage. *Journal of Marriage and the Family*, 61, 147-159.
- Schramm, D. G., Marshall, J. P., Harris, V. W., & Lee, T. R. (2012). Religiosity, Homogamy, and marital adjustment: An examination of newlyweds in first marriages and remarriages. *Journal of Family Issues*, 33, 8567-1571.
- Senediak, C, (1990). The Value of Premarital education. *Australia and New Zeland Journal of Family Therapy*, 11, 26-31.
- Stinnett, N. (1969). Readiness for marital competence. *Journal of Home Economics*, 61,683-686.
- Yarmohammadi, S., Yarmohammadi, H., Dinei, S., and Darsanj, A. (2016). Investigating the expectation of marriage in single students of Kermanshah. *University of Medical Sciences, Iran*, 19(4), 1-12.

